

بونگ جون-هو<sup>۱</sup> یکی از کارگردان های جوان و صاحب سبک کره جنوبی است. او متولد ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۹ است و تحصیلات آکادمیک خود را در رشته جامعه شناسی آغاز کرد. تنها یک دوره کوتاه دو ساله در آکادمی هنرهای زیبای کره جنوبی برای آغاز فعالیت حرفه ای او در سینما کافی بود. پس ساز ساخت چند فیلم کوتاه، در سال ۲۰۰۰ یعنی در سی و یک سالگی اولین فیلم بلند خود را ساخت. فیلم اول او با نام «سگ های پارس کن هرگز کسی را گاز نمی گیرند» در ابتدا چندان شهرتی پیدا نکرد. اما حدود ده سال بعد هنگامی که جون-هو توانست توانایی های خود را به جهان نشان دهد، حق پخش این فیلم توسط شرکت مگنولیا در آمریکا خریداری شد و به عنوان یکی از آثار قدیمی این هنرمند بازنشر شد. اما برای شناخت بهتر بونگ جون-هو باید به سراغ دومین فیلم بلند او یعنی «خاطرات قتل» رفت.

خاطرات قتل در سال ۲۰۰۳ در حالی ساخته شد که هنوز بونگ جون-هو و توانایی هایش به کسی اثبات نشده بود. این فیلم در ابتدا نتوانست موفقیت های چندانی کسب کند و جشنواره های جهانی استقبال چندانی از آن نکردند. اما این روند طبیعی نبود.



تصویر شماره ۱: بونگ جون-هو و جایزه جشنواره کن برای فیلم پارازیت در سال ۲۰۱۹

جشنواره فیلم های سینمایی سن سباستین در اسپانیا احتمالاً اولین جشنواره معتبری بود که فیلم جون-هو را تحسین کرد و جایزه بهترین کارگردان جوان را به او اعطا کرد. با این وجود یادداشت ها و نقدهای سینمایی، «خاطرات قتل» را بسیار تحسین کردند. شاید بتوان گفت این فیلم زیبا تحت سایه ناشناس بودن کارگردان و عواملش نتوانست به حق خود برسد. اما حق این فیلم در طول زمان داده شد. اکنون (تیر ماه ۱۳۹۸) فیلم «خاطرات قتل» جون-هو در بین ۲۵۰ فیلم برتر سایت IMDb رتبه ۱۹۰ را دارد و سایت معتبر Metacritic نمره بسیار خوب ۸۲ را برای آن در نظر گرفته است. این فیلم در لیست بهترین فیلم های بسیاری از سایت ها و افراد معتبر حضور دارد و در ژانر معمایی و جنایی مسلماً جزو بهترین فیلم های تاریخ سینما است.

بعد از سال ۲۰۰۳ که بونگ جون-هو شهرتی جهانی پیدا کرد، فیلم های او با دقت بیشتری دیده شد. او در ژانر علمی تخیلی دو فیلم «میزبان» (۲۰۰۶) و «برف شکن» (۲۰۱۳) را تولید کرد که هر دو فیلم در بین **پرفروش ترین** فیلم های کره جنوبی قرار گرفتند (به ترتیب رتبه ۱۷ و ۲۱). این دو فیلم حاصل کار مشترک عوامل کره جنوبی و دست اندرکاران صنعت بزرگ سینما در آمریکا است. فیلم «اوکجا» در سال ۲۰۱۷ تلاش جدید او برای ساخت فیلمی متمایز در ژانر علمی تخیلی بود. در این فیلم جون-هو از فیلمبردار سرشناس آمریکایی-ایرانی، داریوش خنجی استفاده کرد. گرچه فیلم های جون-هو همگی نشانگر سبک خاص و نبوغ ویژه او در فیلمسازی هستند اما هیچ یک نتوانست به اوج فیلم «خاطرات قتل» نزدیک شود. حتی تلاش بونگ برای ساختن فیلمی مشابه در سال ۲۰۰۹ با نام «مادر» نتوانست توقعات بسیار بالای منتقدان را برآورده کند. اما در سال ۲۰۱۹ جون-هو با فیلمی جدید وارد میدان شد. فیلم «پارازیت» در اولین جشنواره معتبری که شرکت کرد توانست گوی رقابت را از کارگردان های مشهوری همچون تارانتینو برآید و برنده جایزه نخل طلا جشنواره کن شود.

## ۲- سبک فیلمسازی بونگ جون-هو

آنچه یک فیلمساز را از دیگر همکاران خود مجزا می کند، سبک منحصر به فرد اوست. نوع روایت داستان، نوع نگاه به داستان، یا حتی جزئیات فرمی می تواند شناسنامه هنری یک کارگردان را مشخص کند. حاصل یک سیر مشاهدتی دقیقاً ارائه چنین شناسنامه ای است، یعنی ما با مشاهده فیلم های یک کارگردان در کنار یکدیگر سعی می کنیم علایق، مهارت ها، ضعف ها و پیشرفت های او را در طول زمان بررسی کنیم. بونگ جون-هو پدیده جدید سینمای آسیا است که ما را مجبور کرد به سبک

<sup>۱</sup> در کره جنوبی، ژاپن و برخی دیگر از کشورهای آسیای شرقی اینگونه رسم است که ابتدا نام فامیل سپس نام کوچک افراد نوشته می شود. این مساله باعث شده است بسیاری از مردم دنیا نام و نام خانوادگی هنرمندان و افراد سرشناس آسیای شرقی را به درستی نشناسند. بونگ نام کوچک و جون-هو نام فامیل این کارگردان اهل کره جنوبی است.  
<sup>۲</sup> در واقع تجربه نشان داده است که تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با عواملی همچون استعداد و پشت کار تاثیر چندان زیادی در تربیت هنرمندان ندارند. تحصیلات آکادمیک تنها یک راه آسفالت شده برای ورود به دنیای حرفه ای است.  
<sup>۳</sup> برخی از فیلم های کوتاه او را می توان در اینترنت دید. مثلاً کوتاه «**تناقض**» را اینجا ببینید.

منحصر به فردش احترام بگذاریم. اما این سبک چه ویژگی هایی دارد. ما ویژگی های منحصر به فرد جون-هو را در سه دسته تقسیم بندی می کنیم: رهایی از ژانر، استقلال و اصالت.

## الف) رهایی از ژانر

بونگ جون-هو از همان آثار ابتدایی خود نگاه چندان مثبتی به قالب های سینمایی نداشت. قالب هایی که کارگردان را مجبور می کنند تا وحدتی کلی را در طول فیلم برقرار کند. یکی از این قالب های دست و پاگیر ژانرهای سینمایی هستند. برخی فیلم ها ترسناک هستند و برخی عاشقانه، برخی کمدی هستند و برخی جنایی. البته بسیار مرسوم است که فیلمی در قالب درام عاشقانه یا جنایی ترسناک دسته بندی شود (چون هیچ معیار مشخصی برای این دسته بندی وجود ندارد)، اما کارگردان ها تلاش می کنند ژانرهای ناهمگن را در کنار یکدیگر قرار ندهند. به عنوان مثال یک درام تراژیک که بیننده را تا مرز گریه پیش می برد، تلاش می کند از مولفه های خنده دار یا سریع و اکشن جلوگیری کند. دلیل خودداری از این ترکیب، تناسب احساسات بیننده در طول فیلم است. در واقع تلاش کارگردان در طول فیلم بر این است که احساسات بیننده را به یک جهت خاص سوق دهد و هر گونه عدم تناسبی در این مسیر مانع رسیدن به هدف است. در سوی مقابل بینندگان نیز برای تمرکز بر روی موضوع داستان انتظار ساختاری منسجم و قابل درک را دارند.

صفحه | 2



تصویر شماره ۲: بونگ جون-هو در پشت صحنه فیلم برف شکن ۲۰۱۳ به همراه کریس اونس

اما چه می شود اگر کارگردانی در عین حال که انسجام را رعایت می کند، قالب ژانرهای ناهمگون را بشکند؟ به عنوان مثال ممکن است در میانه یک فیلم جنایی و نفس گیر شخصیتی طنز از فشار داستان بکاهد، یا اینکه در طول یک فیلم اکشن و جدی، شخصیتی فانتری و کودکانه حضور داشته باشد که نظم فکری بینندگان را برهم زند؟ در ابتدا به نظر می رسد این تکنیک بسیار آزاردهنده و خلاف قاعده است، اما بونگ جون-هو به ما نشان داد که چنین نیست. او در فیلم های جنایی و رازآلود خود شخصیت های طنزی دارد که لبخندهای سردی را بر لبان بیننده جاری می کنند. فیلم های او غالباً در ژانر اکشن، جنایی و علمی تخیلی هستند، اما در بیشتر آنها شاهد یک شخصیت دیوانه، کودک یا منحصر به فرد هستیم. حداقل سه فیلم نفس گیر او «خاطرات قتل»، «میزبان» و «مادر»، هر سه شخصیت هایی با مشکلات رفتاری و عقلانی دارند. در فیلم «اوکجا» یک کودک خردسال شخصیت اصلی داستان را بازی می کند و در فیلم «برف شکن» شخصیت های فانتری بسیاری (مانند وزیر قطار) وجود دارند. این شخصیت ها در واقع جریان فیلم را از ژانر اصلی خود خارج می کنند. مثلاً در فیلم «اوکجا» در خلال یک عملیات دزدی و خرابکارانه که از المان های اکشن بسیاری برخوردار است، شاهد آن هستیم که دزدان طنزپردازی می کنند و به شیوه های خنده دار عملیات خود را انجام می دهند. همه این ژانرهای فرعی نه تنها انسجام کلی فیلم را از بین نمی برند بلکه از خستگی بیننده نیز می کاهند. گاهی اوقات در میانه این شیطنت ها با خودمان فکر می کنیم چرا فیلم های دیگر چنین فضای استراحتی به ما نمی دهند؟

رهایی از ژانرهای متداول به کارگردان این امکان را می دهد تا بیننده را متوجه محتوای داستان کند. گاهی اوقات فیلمی بسیار حساس و نفس گیر را از ابتدا تا انتها مشاهده می کنیم و مجال نوشیدن یک لیوان آب را هم نداریم، اما در انتها نفس راحتی می کشیم، ذهنمان را خالی می کنیم و به سراغ کاری دیگر می رویم. (تعداد اندکی از فیلم ها پس از دو ساعت مشاهده فیلم برای ساعت ها و روزها ما را به فکر وامی دارند). در واقع کارگردان تنها دو ساعت فرصت دارد تا بینندگان را به فکر درباره موضوع داستان وادارد. ترکیب ژانرها فرصت کافی را به بینندگان می دهد تا از حواشی داستان فاصله بگیرند و به موضوع آن فکر کنند. این فرصت در فیلم های بونگ جون-هو به خوبی برای ما فراهم شده است.

## ب) استقلال

بونگ جون-هو فیلم های خودش را می سازد و زیر سایه کسی قرار نمی گیرد. هر گاه بخواهد ژانر جدیدی را امتحان می کند و هر موضوعی را بخواهد به تصویر می کشد. در حالی که فیلم موفق او در سال ۲۰۰۳ در ژانر جنایی و راز آلود ساخته شده بود و همه انتظار داشتند فیلم بعدی او نیز در همان حال و هوا و با بازیگرانی بومی باشد، در سال ۲۰۰۶ تصمیم می گیرد در ژانر علمی تخیلی فیلمی هیولایی بسازد. سپس سال ۲۰۰۹ مجدداً به ژانر جنایی باز می گردد و در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ فیلم هایی اکشن و علمی تخیلی می سازد. در سال ۲۰۱۹ و با فیلم پارازیت او مجدداً گردشی به سوی فیلم رازآلود می کند. برخی از [کارشناسان](#) تصمیمات غیرمنتظره او را ستوده و معتقدند نمی توان حرکت های بعدی بونگ را پیش بینی کرد.

یکی دیگر از جنبه های استقلال هنر جون-هو عدم وابستگی به یک فیلمبردار خاص است. در صنعت سینما همه می دانند که فیلمبردار دست راست کارگردان است و بسیاری از جنبه های بصری و روایتگری فیلم وابسته به نوع نگاه فیلمبردار است. به همین خاطر است که بسیاری از کارگردانان که فیلمی موفق را با یک فیلمبردار تجربه می کنند تلاش می کنند تا با همان شخص ادامه دهند. در نتیجه کارنامه کارگردان های موفق غالباً ترکیبی از آثار آنها با یک یا دو فیلمبردار وفادار به آنها است. اما این ماجرا درباره جون-هو صادق نیست.<sup>۴</sup> او در هفت فیلم، از پنج فیلمبردار متفاوت استفاده می کند و در واقع به هیچ کدام وفادار نیست. در زیر این تنوع همکاری را در جدولی نشان می دهیم:

صفحه | 3

ردیف	نام فیلم	سال	فیلمبردار
۱	سگ های پارس کن هرگز کسی را گاز نمی گیرند	۲۰۰۰	Cho Yong-kyou
۲	خاطرات قتل	۲۰۰۳	Ki mHyeong-gu
۳	میزبان	۲۰۰۶	Ki mHyeong-gu
۴	مادر	۲۰۰۹	Hong Kyung-pyo
۵	برف شکن	۲۰۱۳	Hong Kyung-pyo
۶	اوکجا	۲۰۱۷	داریوش خنجی
۷	پارازیت	۲۰۱۹	Hong Gyeong-Pyo

### ج) اصالت

سینمای بونگ جون-هو متعلق به انسانی در یک موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی است. او کارگردانی کره ای است، متعلق به قاره آسیا است و در مرحله بالاتر انسانی است که نسبت به طبیعت پیرامونش مسئول است. ما در فیلم های او به طور خاص شاهد حس احترام نسبت به مردم و جغرافیای کره جنوبی هستیم. در مرحله بعد او نسبت به طبیعت احساس مسئولیت می کند و در برخی از فیلم هایش خواسته او برای حفاظت بیشتر از جهان پیرامون را مشاهده می کنیم و در نهایت نوعی دشمن شناسی در آثار او مشاهده می شود. این مولفه ها حاکی از اصالت و تعلق او به محیط اطراف و مسئولیتش در قبال دفاع از آنها است. اجازه دهید این مسائل را در فیلم های او به طور دقیق تر بررسی کنیم:

در اولین فیلم مهم جون-هو «خاطرات قتل» شاهد تحولات اجتماعی و سیاسی کره جنوبی در دهه هشتاد میلادی هستیم. حضور یک رژیم دیکتاتوری همراه با ترس و دلهره مردم است. شورش ها و تحرکاتی نیز در شهر وجود دارد اما اغلب آنها با سرکوب وحشیانه حکومت پاسخ داده می شود. اداره پلیس و ماموران آن از قدرت خود سواستفاده می کنند و متهمان را خارج از روال قانونی مورد شکنجه قرار می دهند. مطبوعات و جو عمومی نیز تاثیر چندانی بر روند زندگی مردم ندارد. قاتلی زنجیره ای شهر را ناامن کرده است و پلیس و مردم نمی توانند کاری کنند. همه این موارد در زمینه داستانی جنایی نشان داده می شود تا مسئولیت کارگردان در نمایش واقعیت جامعه اش را ایفا کرده باشد.

<sup>۴</sup> این نکته را در مقاله سایت راجر ابرت نوشته [نلسون کارواجال](#) دیدم و مدیون او هستم.



تصویر شماره ۳: بونگ جون-هو و داریوش حنجی در پشت صحنه فیلم اوکجا ۲۰۱۷

در فیلم «میزبان» شاهد آن هستیم که یک دانشمند آمریکایی در طرحی از پیش تعیین شده مقدار زیادی مواد شیمیایی را به رودخانه اصلی شهر سئول (هان) می ریزد و موجب تغییر ژنتیکی در موجودات رودخانه می شود. این تغییرات باعث ایجاد هیولایی بزرگ می شود که بسیاری از مردم را کشته و شهر را ناامن می کند. تحرکات بین المللی برای رفع این مشکل بیشتر شبیه یک نمایش مضحک و در عین حال بی سرانجام است. از سوی دیگر مسئولین کره جنوبی نیز ناکارآمد و فاسد هستند. رفع مشکل رودخانه هان به دست مسئولین نیست بلکه تنها به دست مردم کره جنوبی است که «از دامن رودخانه هان به دنیا آمده اند و به دامن آن باز می گردند»<sup>۵</sup>. در این فیلم نه تنها اصالت و تعلق بونگ جون-هو به شهر و کشورش را می بینیم بلکه اعتراض بلند او نسبت به حکومت متجاوز

آمریکا را نیز شاهد هستیم. جون-هو در **مصاحبه** ای اعلام می کند که نباید فیلم «میزبان» را به مانیفستی ضدآمریکایی تقلیل داد، اما نمی توان منکر آن شد که انتقادی سیاسی علیه آمریکا در آن گنجانده شده است.

برخی معتقدند حتی قالب شکنی جون-هو در استفاده از ژانرهای مختلف نیز انقلابی علیه سینمای متداول هالیوود است. به بیان دیگر بونگ سینماگری آسیایی است که از قالب های سینمای هالیوود و تاثیرپذیری از آنها خسته شده است. او می خواهد سینمای خود را بسازد، سینمایی که با فرهنگ و سلیقه او همخوانی بیشتری دارد. او در **مصاحبه** هایش می گوید: «از وقتی جوان بودم بسیاری از فیلم های آمریکایی را می دیدم و از آنها بسیار لذت می بردم. در همان حال احساس می کردم که قواعد مدام تکرار می شوند، تا جایی که به غایت خسته کننده می شوند...». «من برای مدتی از این قواعد پیروی کردم، اما بعد تصمیم گرفتم که می خواهم آنها را بشکنم و بالاوپایین کنم. اینجا همان جایی است که مولفه های کره ای وارد می شوند.»<sup>۶</sup> (ص ۲۰۲-۲۰۱). به بیان دیگر جون-هو از سینمای آمریکا و از فرهنگ آمریکا عبور می کند. اجازه دهید در انتهای این بخش یک استفاده اضافه نیز از این مطلب بکنم. یکی از ویژگی های ارزشمند پروژه سیرمشاهدتی رسیدن به همین فراستی است که جون-هو بدان رسیده است. او در مصاحبه خود می گوید که پس از دیدن بسیاری از فیلم های آمریکایی و یافتن خط ربطی بین آنها و تکرار شدن آن تصمیم گرفتم مولفه سنتی و ملی خودم را وارد فیلم هایم کنم. این مطلب به ما نشان می دهد که برای تولید و مهندسی فرهنگ و هنر در دنیای امروز که به شدت در حال آمریکایی شدن است، باید با تسلط بر آن غلبه کرد و از آن عبور کرد. **سیر مشاهدتی** پروژه ای در همین راستا است.

### ۳- آیا باید سینمای آسیا را جدی گرفت؟

در جهانی زندگی می کنیم که فرهنگ و اقتصاد و سیاست آن به شدت تحت تاثیر آمریکا است. سبک زندگی آمریکایی در گوشه و کنار جهان کمابیش به یک عرف تبدیل شده است و از ارزشی مدرن برخوردار است. قشر تحصیل کرده در هند و ژاپن و ایران همبرگر یا استیک می خورند، شلوار جین یا کت و شلوار می پوشند و انگلیسی صحبت می کنند. این نفوذ همه جانبه دلایل بسیاری از جمله سرعت بالای انتقال اطلاعات در جهان مجازی و اینترنت دارد. همچنین نباید از نفوذ اقتصادی، سیاسی و بالاخره نظامی آمریکا در جهان نیز چشمپوشی کرد. دلایل آمریکایی شدن هر چه باشد، خوب باشد یا بد باشد، فرهنگ و سینمای ما عمیقاً آغشته به قواعد و رسوم هالیوود در آمریکا است. اما در کنار هالیوود جایگزین هایی وجود دارد که اگرچه همچنان متعلق به ما نیست اما بسیار الهام بخش و دیدنی است. سینمای کره جنوبی یکی از این جایگزین ها است. کریستینا کلین (Christina Klein) در مقاله علمی-پژوهشی خود در نشریه معتبر «مطالعات آمریکا» در سال ۲۰۰۸ به صورت اغراق آمیز ادعا می کند که «امروز بعد از هالیوود احتمالاً مهمترین سینمای جهان سینمای کره جنوبی است»<sup>۷</sup>. اما آمارهای دقیق تر نشان می دهد که صنعت

<sup>۵</sup> ترجمه شعری از شاعر اهل کره جنوبی، کو آن (Ko Un) که می نویسد:

«We Koreans were born from the womb of Han and brought up in the womb of Han».

<sup>۶</sup> Kim, Ju Hwan, Relocating the Alliance: The U.S.-South Korea Military Alliance in Cultural Representations, PhD Thesis, Emory University, p. 201-202.

<sup>۷</sup> Christina, K. (2008) *Why American Studies Needs to Think about Korean Cinema*, American Quarterly, Vol. 60, No. 4, p. 872.

سینمای کره جنوبی با درآمدی بالغ بر ۱.۵ میلیارد دلار در رتبه هفتم پرسودترین صنایع سینمای جهان است. اما ملاحظه سینمای کره جنوبی چه سودی دارد؟

همان طور که گفتیم سینمای کره (اگر تقلیدی از هالیوود نباشد) حاوی نوعی تعلق به مکان و سنت است که یادآور گمشده ما در فیلم های هالیوودی است. به طور ویژه سینمای بونگ جون-هو سرشار از تعهد کارگردان به محیط و فرهنگ پیرامونش است. کره جنوبی، هند، چین و مصر از لحاظ قدمت تاریخی و غنای سنتی به فرهنگ ما بسیار نزدیکتر از آمریکا و کانادا هستند. سینمای کره جنوبی به طور ویژه با نقش پررنگی که در کل این صنعت ایفا می کند، برای تمام مردم جهان قابل درک است چرا که مشکلات و رنج های انسانی را در همان شکل واقعی خود به نمایش می گذارد. به عنوان مثال به فیلم «مادر» جون-هو توجه کنید که بر خلاف فیلم های مرسوم و کلیشه ای درباره شخصیت مادر، نشان می دهد که چگونه ممکن است محبت یک مادر او را به تباهی بکشد. در نقطه مقابل، جهان فیلم های هالیوودی مهاجم و غارتگر است بدین معنا که قواعد و رسوم خود را به بینندگان تزریق و مدام تکرار می کند. در واقع هالیوود بخشی از سیستم بزرگتری است که جهان را به سوی یکدست شدن یا همان آمریکایی شدن پیش می برد. نمی خواهیم بگویم که آمریکایی شدن بد است (چرا که نه؟) یا باید در مقابل فرهنگ غربی به مقابله برخاست (چرا که نه؟)، بلکه از سینماگر انتظار داریم شجاعانه، صادقانه و با افتخار سنت خود را به تصویر بکشد. نمایش این سنت ها علاوه بر حفظ آنها به شکل گیری هویت جمعی ما کمک می کند.

صفحه | 5

علاوه بر این داستان های شرقی (و به معنای دقیق تر غیرآمریکایی) با شرایط انسانی بیشتر سر و کار دارد و کمتر فانتزی است. به عنوان مثال به برخی از فیلم های اصغر فرهادی دقت کنید که چگونه یک اتفاق ساده قهرمان داستان را در مقابل سوالی بدون پاسخ قطعی قرار می دهد (مثلا فیلم جدایی نادر از سیمین). اینها شرایط و داستان های واقعی در جهان ماست، گرچه فیلم های فانتزی هالیوود جذابیت بیشتری برای مشاهده دارند. **راجر ابرت** معتقد است یک نوجوان ده ساله نسبتا باهوش می تواند اغلب فیلم های هالیوود را کاملا درک کند، چرا که اغلب فیلم ها در مورد رخدادها یا داستان های غیرواقعی و خارج از جهان اینجا و اکنون ما ساخته می شوند. هالیوود دیگر کمتر فیلم هایی می سازد که درباره حوادث، شرایط و روحیات کاملا انسانی باشد. در عوض سینماهای متفرقه (از جمله سینمای کره جنوبی که مورد اشاره راجر ابرت است) سرشار از داستان پردازی درباره جهان هایی است که بیشتر انسانی هستند و فارغ از قواعد دست و پاگیر ما را بیشتر به فکر وا می دارند. او معتقد است ملاحظه سینماهای جایگزین نه تنها یک کار لوکس نیست، بلکه یک واجب است!

#### ۴- مجموعه فیلم های این سیر مشاهده‌نی

بونگ جون-هو فیلم های زیادی ندارد، به همین خاطر می توان به راحتی همه فیلم های او را دید. اما یک سیر مشاهده‌نی اقتضا می کند از فیلم های کمتر مهم چشمپوشی کنیم و فیلم های مهمتر و تاثیرگذارتر را مورد بررسی قرار دهیم. در این پروژه بیشتر فیلم های مشهور و مورد تحسین او را بررسی کردیم. متاسفانه در هنگام تدوین این مقاله هنوز موفق به مشاهده فیلم «پارازیت» نشده ام که بلافاصله بعد از دیدن آن به این پرونده اضافه خواهد شد. اما با مطالعه مقالاتی درباره فیلم تلاش کردم آن را نیز در کلیت این مقاله بگنجانم. بر همین اساس فیلم های بررسی شده در این مقاله عبارتند از:

(خاطرات قتل ۲۰۰۳): مجموعه چند قتل مشابه در یک شهر کوچک در اواخر دهه هشتاد میلادی پلیس شهر را به جست و جو وادار می کند. تحقیقات پلیس چندین مضمون را به دام می اندازد. اما هر یک از آنها به نحوی رفع اتهام می کنند. کارآگاهان شهر با معماهای بزرگی روبرو می شوند.

(میزبان ۲۰۰۶): ریخته شدن مواد شیمیایی در رودخانه هان منجر به تولید هیولایی بزرگ می شود که امنیت شهر را به خطر می اندازد. خانواده پارک که دخترشان در دام هیولا است تلاش می کنند تا هیولا را نابود کنند.

(مادر ۲۰۰۹): یون پسر عقب مانده ای است که تحت حمایت مادرش زندگی می کند. قتل یک دختر جوان باعث و کشف شواهدی در صحنه باعث می شود، یون به اتهام قتل دستگیر شود. پلیس و وکلای شهر فاسد و ناتوان هستند، لذا مادر تصمیم می گیرد خودش مشکل پسرش را حل کند.

(برف شکن ۲۰۱۳): در یک داستان آخرالزمانی هنگامی که تمام جهان یخ زده است، قطاری پیشرفته در مسیری بی انتها در حرکت است. مسافری انتهای قطار که از وضعیت زندگی خود ناراضی هستند برای کسب حقوق خود شورش می کنند.

(اوکجا ۲۰۱۷): نتیجه تحقیقات یک شرکت پژوهشی خوک ها بسیار بزرگی است که برای تولید گوشت تربیت می شوند. یکی از این خوک ها توسط دختری کره ای در کوهستان تربیت می شود. دختر بچه برای حفظ جان حیوانش حاضر است خود را به خطر بیندازد. اما فارغ از اینکه این خوک نجات پیدا کند یا نه تعداد بسیار زیادی حیوان در حال سلاخی هستند.